



گزارش سیاسی

نقد و بررسی کلان حوزه دیپلماسی عمومی در لایحه برنامه پنج ساله هفتم

حلقه دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی

مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



گزارش سیاستی نقد و بررسی کلان حوزه دیپلماسی عمومی در لایحه برنامه پنج ساله هفتم

حلقه دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

تیرماه ۱۴۰۲





گزارش سیاستی نقد و بررسی کلان حوزه دیپلماسی عمومی در لایحه برنامه پنج ساله هفتم

تدوین کنندگان: محمدرضا کوهکن و احمد رضا رحمانیان
ناظر علمی: حجت الاسلام محمد مهدی تجریشی
کد گزارش: ۱۴۰۲۱۱۰۱

حلقه دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

تیرماه ۱۴۰۲

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، نبش کوچه شهید کاتبی،
مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، پلاک ۱۰

کد پستی: ۸۸۵۹۰۰۲۷-۱۴۶۵۹۶۳۶۸۱- تلفن: ۰۲۷
تارنمای مرکز رشد: www.rusht.ir

تمام حقوق برای مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام محفوظ است
و استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع مجاز است.

ارتباط با حلقه دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی

ایمیل: irpubdip@gmail.com

فهرست مطالب

چکیده مدیریتی	۶
۱) مقدمه	۸
تعاریف و اختصارات:	۹
۲) دیپلماسی عمومی (در معنای محدود آن)	۱۱
الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم	۱۱
ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم	۱۱
ج) نقد و بررسی	۱۲
۳) دیپلماسی فرهنگی	۱۶
الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم	۱۶
ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم	۱۶
ج) نقد و بررسی	۱۷
۴) دیپلماسی رسانه‌ای	۲۱
الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم	۲۱
ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم	۲۱
ج) نقد و بررسی	۲۳
۵) دیپلماسی علمی	۲۵
الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم	۲۵

ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم.....	۲۵
ج) نقد و بررسی.....	۲۷
۶) دیپلماسی گردشگری.....	۲۹
الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم.....	۲۹
ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم.....	۲۹
ج) نقد و بررسی.....	۳۳
۷) دیپلماسی سلامت.....	۳۶
الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم.....	۳۶
ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم.....	۳۶
ج) نقد و بررسی.....	۳۷
۸) دیپلماسی اقتصادی.....	۳۹
الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم.....	۳۹
ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم.....	۳۹
ج) نقد و بررسی.....	۴۱
۹) جمع‌بندی.....	۴۳
۱۰) احکام پیشنهادی.....	۴۶

چکیده مدیریتی

برنامه پنج ساله هفتم به عنوان اولین برنامه پنج ساله در گام دوم انقلاب اسلامی و دولت انقلابی سیزدهم، ظرفیت مهمی برای ریل گذاری مسیر کلی حرکت کشور در پنج سال آینده است. از جمله حوزه های مهمی که برای آینده انقلاب اسلامی و نقش آفرینی تمدنی و جهانی آن ضروری به حساب می آید و می توان لایحه برنامه هفتم را بر اساس آن نقد و بررسی کرد، کلان حوزه «دیپلماسی عمومی» است. حلقه دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام به عنوان مجموعه ای که با نگاه راهبردی، فرهنگ بنیان، مردم محور و چندبعدی به این عرصه نگاه می کند، بر اساس زاویه نگاه خود در این گزارش به نقد و بررسی و ارائه پیشنهادهایی برای احکام مرتبط با این حوزه در لایحه برنامه هفتم پرداخته است. این احکام در فصول مختلفی مانند سیاست خارجی، ارتقاء فرهنگ عمومی و رسانه، ارتقاء نظام سلامت، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، و ارتقاء نظام علمی، فناوری و پژوهشی پراکنده هستند. از جمله آسیب های این لایحه می توان به کم توجهی به کلان حوزه دیپلماسی عمومی و تحول در آن، عدم توجه به





ماهیت چندبعدی و بین‌دستگاهی آن، کم‌رنگ بودن رویکرد انقلابی و فعالانه در آن، ضعف در ارائه برنامه مشخص و قابل‌سنجش و مسکوت گذاشتن برخی حوزه‌های مؤثر و دارای اولویت در آن اشاره کرد. در نهایت با در نظر گرفتن برخی از رویکردهای کلیدی برای ارتقاء این حوزه در کشور، احکامی برای افزودن به برنامه پیشنهاد شده است.

۱) مقدمه

برنامه پنج‌ساله هفتم به‌عنوان اولین برنامه پنج‌ساله در گام دوم انقلاب اسلامی و دولت انقلابی سیزدهم، ظرفیت مهمی برای ریل‌گذاری مسیر کلی حرکت کشور در پنج سال آینده است. هدف‌گذاری‌ها و اولویت‌گذاری‌هایی که در این برنامه صورت می‌گیرد اگر درست باشد، چرخ کشور را در مسیر صحیح خود به حرکت می‌اندازد، و اگر ناقص یا نادرست باشد به همان اندازه ما را از تحقق اهداف انقلاب اسلامی دور خواهد کرد. لذا با تدوین لایحه برنامه هفتم در بیست و چهار فصل و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی، نقد و بررسی این لایحه از منظرهای تخصصی گوناگون توسط کارشناسان و صاحب‌نظران اهمیت بالایی دارد که از جمله آن‌ها کلان‌حوزه «دیپلماسی عمومی» است.

بررسی اندیشه امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوزه بین‌المللی، ما را به مفاهیمی همچون «صدور انقلاب»، «حمایت از مستضعفان و آزادی‌خواهان»، «بیداری اسلامی» و مانند آن رهنمون می‌شود. قانون اساسی نیز در اصل ۱۱، ۱۵۲ و ۱۵۴ خویش به این موضوع توجه داشته است. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ و الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت در افق ۱۴۴۴ نیز جایگاهی را برای جمهوری اسلامی ترسیم کرده‌اند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با این حوزه ارتباط دارد.

حلقه دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام به‌عنوان مجموعه‌ای که با نگاه راهبردی، فرهنگ‌بنیان، مردم‌محور و چندبعدی به این عرصه نگاه می‌کند، بر اساس زاویه نگاه خاص و در هماهنگی با پژوهش‌های پیشین خود، در این گزارش به نقد و بررسی و ارائه پیشنهادهایی برای احکام مرتبط با این حوزه در لایحه برنامه هفتم پرداخته است. این احکام در فصول مختلفی مانند سیاست خارجی، ارتقاء فرهنگ عمومی و رسانه، ارتقاء نظام سلامت، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، و ارتقاء نظام علمی، فناوری





و پژوهشی پراکنده است. هر یک از این حوزه‌ها به صورت اختصاصی یا عمومی به کلان حوزه دیپلماسی عمومی مرتبط هستند و در گزارش به تفکیک بررسی شده‌اند. در ابتدای هر بخش به بندهای مرتبط با آن حوزه در سیاست‌های کلی برنامه هفتم اشاره شده، سپس احکام مرتبط با آن در لایحه برنامه هفتم آمده و در نهایت انتقادات و پیشنهادهای ذکر گردیده است. در دو بخش آخر آن نیز جمع‌بندی کلی و متن احکام پیشنهادی ارائه می‌گردد.

تعاریف و اختصارات:

لایحه: لایحه برنامه هفتم (۱۴۰۶-۱۴۰۲)

برنامه: برنامه پنج‌ساله هفتم (۱۴۰۶-۱۴۰۲)

سیاست‌های کلی: سیاست‌های کلی برنامه هفتم، ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۴۰۱/۶/۲۱)

دیپلماسی عمومی: دیپلماسی عمومی به معنای گسترده آن شامل انواع مختلفی از فعالیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای، دیجیتال، اجتماعی، علمی، اقتصادی، گردشگری، سیاسی و... است که با هدف ارتقاء وجهه ملی (تصویر)، ترویج یک ایده، ارزش یا گفتمان فراملی (تبلیغ) و توسعه بازوهای فراملی (تربیت) در قبال مردم کشور(های) دیگر انجام می‌گیرد و در راستای منافع ملی و سیاست‌های دولت مبدأ است (به این معنا که مجری آن لزوماً دولت نیست، بلکه صرف هم‌راستایی با اهداف و سیاست‌های آن کفایت می‌کند).

اما در معنای محدود آن، حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دیجیتال و رسانه‌ای عمومی و... از آن منفک شده، و بیشتر به فعالیت‌های دیجیتال و رسانه‌ای دیپلماتیک در قبال مردم کشور(های) دیگر، با بازیگری وزارت امور خارجه اطلاق می‌شود که ارتقاء وجهه ملی را در چارچوب منافع ملی و سیاست‌های دولت دنبال می‌کند.

دیپلماسی عمومی در متن لایحه برنامه هفتم در معنای محدود آن به‌کاررفته اما مقصود ما در نگارش این طرح، تعریف گسترده از آن است و لذا در عنوان، عبارت «کلان حوزه دیپلماسی عمومی» را برگزیده‌ایم.





۲) دیپلماسی عمومی (در معنای محدود آن) الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم

سیاسی و سیاست خارجی:

بند ۲۱. کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی با ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی در دستگاه دیپلماسی و همکاری هدفمند و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی.

بند ۲۲. تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان.

ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم

فصل ۲۱: سیاست خارجی

دیپلماسی سیاسی

ماده ۱۰۰- در اجرای بند بیست‌ویکم سیاست‌های کلی برنامه و به منظور کنش‌گری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی، وزارت امور خارجه مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد:

الف- طراحی و اجرای اقدامات دیپلماتیک در جهت تحقق اصول قانون اساسی به‌ویژه در بعد مبارزه با استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی، حمایت از مستضعفین و حمایت از فلسطین با تأکید بر قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین (مصوب ۱۳۶۹) و قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین (مصوب ۱۳۸۷)، و تثبیت و تقویت اقتدار محور مقاومت و حمایت از جریان‌های وحدت‌آفرین در جهان اسلام، تقریب ادیان و مذاهب و مقابله با توطئه دشمنان در ایجاد تفرقه در جهان اسلام؛



ب- کنشگری فعال در موضوعات مختلف بین‌المللی شامل مسائل مربوط به حوزه‌های حقوق بشر، خلع سلاح، محیط‌زیست، صیانت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشور، لغو تحریم‌های ظالمانه، مدیریت بحران‌ها و مناقشات منطقه‌ای و مقابله با خشونت‌گرایی، تروریسم، افراط‌گرایی و الهام‌بخشی انقلاب اسلامی به جامعه مستضعفین جهان؛

پ- حمایت همه‌جانبه و صیانت از حقوق و هویت ایرانیان خارج از کشور در چارچوب منافع ملی، جلب و ترغیب مشارکت آن‌ها در توسعه و پیشرفت کشور و تقویت جایگاه و عملکرد شورای عالی ایرانیان خارج از کشور با همکاری سازمان و وزارتخانه‌های کشور و اطلاعات.

ج) نقد و بررسی

• آنچه در بند ۲۱ سیاست‌های کلی برنامه هفتم مورد تأکید گرفته، «کنشگری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی» از طریق ۱) «ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی در دستگاه دیپلماسی» و ۲) «همکاری هدفمند و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی» بوده و در حقیقت دو راه مهم برای این کنشگری فعال را ذکر کرده است. درحالی‌که در ماده ۱۰۰ لایحه هیچ اشاره‌ای به آن نشده و هیچ برنامه‌ای در این راستا ارائه نگردیده است.

• اگر دیپلماسی عمومی را به معنای مخاطب قراردادن مردم دیگر کشورها برای پیشبرد اهداف و تأمین منافع ملی در نظر بگیریم، و دیپلماسی عمومی نوین را شامل وارد کردن بازیگران غیردولتی به اجرای دیپلماسی عمومی بدانیم، واضح است که این‌گونه فعالیت‌ها بیشتر ماهیت «فرهنگی» دارند و هرچه از حالت رسمی و دیپلماتیک فاصله بگیرند، موفق‌تر خواهند بود. دقیقاً بر خلاف این برداشت، یک رویکرد کاملاً سیاسی و دیپلماتیک بر ماده ۱۰۰ لایحه و بندهای ذیل آن



حاکم است و تلقی‌ای که از دیپلماسی عمومی در این ماده ارائه شده، یک تلقی کاملاً وزارت خارجه‌ای به حساب می‌آید.

• در لایحه، مواد مربوط به بند ۲۱ سیاست‌های کلی (یعنی کنشگری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی)، ذیل عنوان «دیپلماسی سیاسی» تعریف شده است. درحالی‌که واضح است دیپلماسی عمومی با دیپلماسی رسمی و دیپلماسی سیاسی تفاوت دارد و از بند ۲۱ سیاست‌های کلی نیز مترادف بودن آن با دیپلماسی سیاسی برداشت نمی‌شود.

• در بند ۲۱ سیاست‌های کلی، بر «همکاری هدفمند و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی» به منظور کنشگری فعال در دیپلماسی عمومی تأکید شده اما ماده ۱۰۰ لایحه، این وظیفه را به «وزارت امور خارجه» منحصر کرده است.

• ماده ۱۰۰ لایحه هیچ چیزی که بتوان نام «برنامه» بر آن نهاد (چه برای دیپلماسی رسمی و چه برای دیپلماسی عمومی)، ارائه نداده و به ذکر آرمان‌ها و سیاست‌های کلی بسنده کرده است. درحالی‌که «برنامه» پنج‌ساله عرصه «سیاست‌پردازی» نیست و در دیگر فصل‌های برنامه هفتم نیز (مانند فصل رشد اقتصادی، انرژی، ارتقاء نظام سلامت، ارتقاء فرهنگ عمومی و رسانه، ارتقاء نظام آموزشی و...) مواردی به عنوان هدف‌گذاری برای پایان برنامه پنج‌ساله ارائه شده است. آنچه در بند الف ماده ۱۰۰ آمده، فهرستی از قوانین و سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی است؛ این موارد اولاً برنامه نیست، و ثانیاً پیش از این نیز لازم‌الاجرا بوده و عمل به آن‌ها متوقف وارد شدنشان در برنامه هفتم نبوده است. در صورتی‌که دولت محترم بنا دارد نسبت به موارد ذکر شده در بند مذکور اهتمام بورزد، شایسته بود در این بند به ارائه برنامه‌ها و هدف‌گذاری‌های خود برای تحقق جداگانه



هر یک از این موارد مبادرت می‌ورزید.

• بند الف ماده ۱۰۰ لایحه، به طراحی و اجرای اقدامات «دیپلماتیک» اشاره کرده است. درحالی‌که مشخص نیست منحصر کردن برنامه‌ها به اقدامات دیپلماتیک، از کدام قسمت سیاست‌های کلی برداشت شده است؟ اتفاقاً زمانی که پای «دیپلماسی عمومی» با عنایت به فرهنگی بودن ماهیت آن، و «همکاری مؤثر و هدفمند با سازمان‌ها و نهادهای مسئول» با عنایت به طیف متنوع این دستگاه‌ها به میان می‌آید، تأکید صرف بر «اقدامات دیپلماتیک» و وانهادن دیگر زمینه‌های فعالیت، تعجب‌برانگیز و بلکه تأسف‌برانگیز است. به‌عنوان مثال «تشکیل جبهه واحد ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی» که رهبر معظم انقلاب آن را در سال ۱۳۹۵ از دانشجویان مطالبه کردند، از دایره شمول این ماده خارج است.

• بند ب ماده ۱۰۰ لایحه، به فهرستی از موضوعات مختلف بین‌المللی برای کنشگری فعال وزارت امور خارجه اشاره کرده است. دراین خصوص باید گفت اولاً این موارد «برنامه» محسوب نمی‌شود و تنها فهرستی از موضوعات است. ثانیاً این موضوعات غالباً «سیاسی» بوده و می‌تواند محوریت «دیپلماسی رسمی» را تشکیل بدهد؛ اما برای دیپلماسی عمومی ناکافی و بعضاً نامناسب است. ثالثاً حداقل تعدادی از موضوعات مذکور «منفعلانه» بوده و عنوان کنشگری «فعال» نمی‌تواند به آن‌ها اطلاق شود و لازم است با نگاه انقلابی به این عرصه نگریست.

• بند پ ماده ۱۰۰ لایحه نیز اولاً «برنامه» نیست؛ ثانیاً از نقش برخی دستگاه‌ها غفلت کرده و ثالثاً تأکید بر «وزارتخانه‌های کشور و اطلاعات» نشانگر نوع خاصی از نگاه به این موضوع است.



• در نسخه پیشین لایحه برنامه هفتم که در انتهای اردیبهشت ۱۴۰۲ منتشر شد، بندی وجود داشت که مستقلاً بر «بهره‌برداری از دیپلماسی عمومی و روش‌ها و ابزارهای نوین و کارآمد اطلاع‌رسانی در گستره فرامرزی برای تبیین دیدگاه‌ها و دستاورد جمهوری اسلامی در ابعاد گفتمانی و معنایی و ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی جهانیان با استفاده از ظرفیت دستگاه‌های اجرایی» تأکید می‌کرد؛ اما مشخص نیست که چرا این بند در نسخه نهایی لایحه به‌کلی حذف شده و جایگزینی نیز برای آن ارائه نگردیده است؟

۳) دیپلماسی فرهنگی

الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم

اگرچه لایحه برنامه هفتم برای فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور به بند ۱۳ سیاست‌های برنامه هفتم استناد کرده، اما این بند بیشتر به حوزه داخلی مرتبط است و بعید به نظر می‌رسد که حوزه بین‌الملل را نیز در برگیرد. با این حال جهت استحضار خوانندگان، این بند در ادامه ذکر شده است:

فرهنگی و اجتماعی:

بند ۱۳- اعتلاء فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقاء هویت ملی و روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه با بسیج تمامی امکانات و ظرفیت‌های کشور، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و مردمی و افراد و شخصیت‌های اثرگذار علمی و اجتماعی و حمایت و پشتیبانی مؤثر دولت از آن.

ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم

فصل ۱۵: ارتقاء فرهنگ عمومی و رسانه

ماده ۷۵- در راستای اعتلاء فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقاء هویت ملی و روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه، اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- به منظور بازطراحی ساختار فرهنگی کشور و با هدف افزایش کارایی و اجتناب از هم‌پوشانی و تداخل مأموریت و وظایف و با رویکرد استقرار الگوی حکمرانی هوشمند، شبکه‌ای، تعاملی، مردم‌پایه و ارزشی-انقلابی، وزارت فرهنگ





و ارشاد اسلامی مکلف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان اداری و استخدامی کشور و سایر دستگاه‌های فرهنگی ذی‌ربط، تا پایان سال دوم برنامه نسبت به تهیه طرح اصلاح مأموریت، ساختار، وظایف و تشکیلات دستگاه‌های فرهنگی که به نحوی از انحاء از بودجه‌های عمومی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم استفاده می‌کنند، اقدام نموده و به تصویب مراجع ذی‌صلاح برساند.

...

ت- دستگاه‌های اجرایی به‌ویژه وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و امور خارجه، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات و دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم مکلف‌اند با استفاده از کلیه امکانات فرهنگی، هنری و امکانات تجسمی و رسانه‌های همگانی نسبت به تبیین، تبلیغ، ترویج و نشر آثار و اندیشه‌ها و سیره عملی حضرت امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در گستره ملی و بین‌المللی اقدام نمایند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است آیین‌نامه اجرایی این بند را ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه، تهیه و پس از تأیید دفتر حفظ نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به تصویب هیأت وزیران برساند.

ج) نقد و بررسی

• در بند الف ماده ۷۵ به «بازطراحی ساختار فرهنگی کشور» و «تهیه طرح اصلاح مأموریت، ساختار، وظایف و تشکیلات دستگاه‌های فرهنگی که به نحوی از انحاء از بودجه‌های عمومی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم استفاده

می‌کنند» اشاره شده است. اگر استناد «بازطراحی ساختار دستگاه‌های فرهنگی کشور» به سخنرانی ۱۴۰۰/۶/۶ رهبر معظم انقلاب و تعبیر «به گمان بنده، ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد.» بوده، باید گفت ایشان در دیدار ۱۴۰۱/۹/۱۵ تصریح کردند که «منظور از ساختار، ساختار فرهنگی جامعه و ذهنیت و فرهنگ حاکم بر آن و در یک کلام نرم‌افزاری است که افراد جامعه بر اساس آن در زندگی فردی و جمعی خود عمل می‌کنند.» لذا بازسازی تشکیلاتی از آن بر نمی‌آید یا حداقل در اولویت اول نیست. بلکه اولویت را اصلاح فرهنگ عمومی تشکیل می‌دهد.

• در بند الف با توجه به اطلاق لفظ «دستگاه‌های فرهنگی استفاده‌کننده از بودجه عمومی»، پس دستگاه‌های فرهنگی حوزه بین‌الملل نیز مدنظر لایحه نویسان بوده است. با این حساب باید گفت سازمان‌ها و نهادهایی همچون «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»، «مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)»، «بنیاد سعدی»، «جامعه المصطفی» و دستگاه‌های متعدد دیگری که وظیفه اختصاصی یا عمومی بین‌المللی دارند نیز مشمول این بند می‌شوند و طرح اصلاح این دستگاه‌ها باید مطابق لایحه تا پایان سال دوم برنامه تهیه شود. در این خصوص باید گفت بازطراحی تشکیلاتی این دستگاه‌ها لازم است حساب شده و جامع باشد تا در آینده موجبات پشیمانی را فراهم نیاورد. لذا تعیین ضرب‌الاجل برای اصلاح کلیه دستگاه‌های فرهنگی کشور در این مدت محدود، قطعاً از کیفیت طراحی و ارزیابی آن می‌کاهد. از سوی دیگر، باید با یک نگاه منظومه‌ای و راهبردی به بازطراحی مجموعه این دستگاه‌ها نگرست و بازطراحی خردنگر آن‌ها راه به جایی نخواهد برد. ضمن آنکه آنچه از تأکید بر «اصلاح اداری» این دستگاه‌ها برداشت





می‌شود، غیر از «تحول انقلابی» آن‌هاست. در تحول انقلابی، بسته به محوریت تحقق هدف و اقتضائات و ثمره رویکرد منظومه‌ای، راهکارهایی مانند تعطیلی، ادغام یا تأسیس نیز می‌تواند در دستورکار قرار بگیرد.

• بند ت ماده ۷۵ کلیه دستگاه‌های اجرایی را مکلف به «تبیین، تبلیغ، ترویج و نشر آثار و اندیشه‌ها و سیره عملی حضرت امام خمینی (رحمته‌الله علیه) و مقام معظم رهبری» در «گستره ملی و بین‌المللی» با استفاده از «کلیه امکانات فرهنگی، هنری و امکانات تجسمی و رسانه‌های همگانی» کرده است. در خصوص این بند نکاتی قابل بیان است:

○ ملاحظه می‌شود که این بند با ماده ۳۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مشابهت زیادی دارد؛ اگر این دو حکم یکسان در نظر گرفته شوند، تکرار آن در لایحه فاقد وجاهت است؛ اگر متفاوت در نظر گرفته شوند نیز قانون احکام دائمی به دلیل این تفاوت نقض می‌شود. علی‌ای حال اولاً ماده ۳۷ برای فضای داخلی کشور بوده و تنها جنبه بین‌المللی آن، «گسترش شبکه‌های مجازی بین‌الملل» است. لذا در هر صورت برای بند ت ماده ۷۵ لایحه قابل استناد نیست. ثانیاً تفاوت‌های جدی میان این دو حکم وجود دارد که اتکاء ماده ۷۵ لایحه به ماده ۳۷ قانون را نقض می‌کند؛ از جمله، تفاوت در ذکر دستگاه‌های مربوطه، مرجع تهیه آیین‌نامه، مسیر تصویب و زمان‌بندی اجرای آن.

○ اگرچه در بند ت ماده ۷۵ شش دستگاه به‌طور ویژه نام برده شده‌اند، اما این تکلیف کلیه دستگاه‌های اجرایی را در برمی‌گیرد. چه نیازی وجود داشته که کلیه دستگاه‌ها برای این وظیفه مکلف شده‌اند؟ آیا این وظیفه با توجه به آسیب‌های بروکراتیک و روحیه کارمندی دستگاه‌ها، موفقیت قابل توجهی به دست خواهد آورد یا بهانه‌ای برای اقدامات

نمایشی و بیلان‌کاری آن‌ها خواهد شد؟ آیا همه دستگاه‌ها به صورت هم‌زمان باید به اشاعه اندیشه رهبران انقلاب در سطح ملی و بین‌المللی مبادرت بورزند؟ اگر پاسخ مثبت باشد، به دلیل فقدان مدیریت متمرکز شاهد آشفتگی شدیدی در این عرصه خواهیم بود. اگر پاسخ منفی باشد، باز هم به دلیل فقدان مدیریت متمرکز شاهد آشفتگی و موازی‌کاری و اقدامات نمایشی از سوی دستگاه‌های بین‌المللی خواهیم بود.

○ نقش بازیگران غیردولتی در اجرای این بند چیست و چرا هیچ جایگاهی برای آنان در نظر گرفته نشده است؟ درحالی‌که با وجود این بازیگران، ورود دستگاه‌های اجرایی به این حوزه اولویت و مزیتی ندارد.

○ جهت‌کنشگری دستگاه‌های اجرایی برای تحقق این بند در گستره بین‌المللی، لازم است شناخت، برنامه، محتوا و ابزار لازم و مناسب برای مخاطبان متنوع و متکثر بین‌المللی فراهم شود؛ آیا در این زمینه به میزان کافی نیروی انسانی و تولیدات فرهنگی، هنری و رسانه‌ای وجود دارد؟

○ اگرچه اشاعه اندیشه امام خمینی عجل‌الله‌تعالیه و مقام معظم رهبری بسیار ارزشمند و با اهمیت است، اما چرا موضوعات محتوایی دیگری در فصل فرهنگ عمومی به چشم نمی‌خورد؟ به‌عنوان مثال ترویج معارف قرآن، اهل بیت علیهم‌السلام، دیگر اندیشمندان اسلامی و...



۴) دیپلماسی رسانه‌ای

الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم

در لایحه برنامه هفتم برای فعالیت‌های رسانه‌ای برون مرزی به بند ۱۴ سیاست‌های برنامه هفتم استناد شده است؛ هرچند بیشتر به حوزه داخلی مرتبط بوده و ارتباط آن به حوزه بین‌الملل دور از ذهن است. با این حال این بند جهت استحضار ذکر می‌شود:

فرهنگی و اجتماعی:

بند ۱۴- تقویت کارآیی و اثربخشی رسانه ملی در گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی-ایرانی و مواجهه مؤثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان.

ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم

فصل ۱۵: ارتقاء فرهنگ عمومی و رسانه

ماده ۷۵- در راستای اعتلاء فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقاء هویت ملی و روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه، اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- به منظور بازطراحی ساختار فرهنگی کشور و با هدف افزایش کارایی و اجتناب از هم‌پوشانی و تداخل مأموریت و وظایف و با رویکرد استقرار الگوی حکمرانی هوشمند، شبکه‌ای، تعاملی، مردم‌پایه و ارزشی-انقلابی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان اداری و استخدامی کشور و سایر دستگاه‌های فرهنگی ذی‌ربط، تا پایان سال دوم برنامه نسبت به تهیه طرح اصلاح مأموریت، ساختار، وظایف و تشکیلات دستگاه‌های فرهنگی که به نحوی از انحاء از بودجه‌های عمومی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم استفاده





می‌کنند، اقدام نموده و به تصویب مراجع ذی صلاح برسانند.

...

ت- دستگاه‌های اجرایی به‌ویژه وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و امور خارجه، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات و دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم مکلف‌اند با استفاده از کلیه امکانات فرهنگی، هنری و امکانات تجسمی و رسانه‌های همگانی نسبت به تبیین، تبلیغ، ترویج و نشر آثار و اندیشه‌ها و سیره عملی حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در گستره ملی و بین‌المللی اقدام نمایند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است آیین‌نامه اجرایی این بند را ظرف مدت شش‌ماه پس از ابلاغ برنامه، تهیه و پس از تأیید دفتر حفظ نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به تصویب هیأت وزیران برساند.

...

ماده ۷۷- به‌منظور تقویت کارایی و اثربخشی رسانه ملی برای گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی-ایرانی و مواجهه مؤثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان و ایجاد تحول در محتوا، رویکرد و سازوکار، اقدامات زیر انجام می‌گردد:

الف- سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است نسبت به تولید و پخش محتوای هویت‌محور، عدالت‌گستر و شتاب‌بخش پیشرفت در قالب‌های خلاق، جذاب و امیدافزا در برنامه‌ها و اخبار رادیویی و تلویزیونی در تمامی سطوح ملی، استانی و برون‌مرزی اقدام نماید.



• همان‌گونه که در بخش دیپلماسی فرهنگی اشاره شد، بند الف ماده ۷۵ به بازطراحی ساختار دستگاه‌های فرهنگی کشور اشاره دارد و با توجه به اطلاق آن، سازمان صداوسیما و از جمله معاونت برون‌مرزی و فضای مجازی آن را نیز در برمی‌گیرد. همچنین بند ۱۴ سیاست‌های کلی، بر «تقویت کارایی و اثربخشی رسانه ملی» تأکید شده است. اگرچه آنچنان که در موارد مذکور مشخص است، رسانه ملی به‌عنوان تنها بازیگر رسمی حوزه دیپلماسی رسانه‌ای کشور شناخته می‌شود، اما اگر نگاه جامع، حساب‌شده و منظومه‌ای را برای تقویت و کارایی این حوزه اصل قرار دهیم، ضرورت دارد به بازطراحی مجموعه دیپلماسی رسانه‌ای کشور - نه فقط صداوسیما - پردازیم و نقش دیگر بازیگران را نیز مورد توجه قرار دهیم. طبیعتاً در این نگاه منظومه‌ای باید نقش کلی و تک‌تک مجموعه‌های رسانه‌ای دولتی، نیمه‌دولتی، خصوصی و مردمی برون‌مرزی بازتعریف گردد. به‌گونه‌ای که آسیب‌های کلیدی دیپلماسی رسانه‌ای همچون «تعدد و تشتت بازیگران این حوزه و ناهماهنگی و چندصدایی میان آنان»، «عدم وجود مرجع تصمیم‌گیر»، «فقدان سیاست‌های جزئی و هدفمند برای دیپلماسی رسانه‌ای و تعیین نقش دستگاه‌های موجود» و «ضعف در تصمیم‌گیری مستقل و در لحظه برای مواجهه با موضوعات مختلف بین‌المللی» مورد توجه قرار گیرد. درحالی‌که لایحه برنامه هفتم در قبال این مسائل ساکت بوده است.

• در بند ت ماده ۷۵ همان‌گونه که بیان شد، اشاعه اندیشه‌های امامان انقلاب اسلامی به‌عنوان تکلیف کلیه دستگاه‌های اجرایی از جمله صداوسیما تعیین شده و به استفاده از «کلیه امکانات... رسانه‌های همگانی» برای این

منظور تصریح گردیده است. پیش‌زمینه این اقدام، وجود یک نگاه متمرکز و مهیا کردن و در اختیار داشتن محصولات رسانه‌ای تخصصی - و نه صرف ترجمه و برگردان آثار فارسی - با کمیت و کیفیت مکفی است. درحالی‌که در این باره خلأ جدی وجود دارد. از سوی دیگر تأکید صرف بر «سازمان صداوسیما» و «رسانه‌های همگانی»، زمینه را برای فعالیت دیگر رسانه‌های نیمه‌دولتی، خصوصی و غیردولتی محدود خواهد کرد و ظرفیت آنان را نادیده خواهد گرفت. همان‌گونه که اشاره شد، لازمه نگاه منظومه‌ای در نظر گرفتن همه بازیگران است.

• بند الف ماده ۷۷ سازمان صداوسیما را مکلف به تولید و پخش «محتوای هویت‌محور، عدالت‌گستر و شتاب‌بخش پیشرفت» در قالب‌های مختلف «در تمامی سطوح ملی، استانی و برون‌مرزی» کرده است. در این زمینه باید پرسید آیا نیاز سطوح ملی، استانی و برون‌مرزی صداوسیما در انتخاب اولویت محتوایی برای مخاطبان خود یکسان است؟ در صورتی‌که حتی در سطح برون‌مرزی صداوسیما لازم است برای مخاطبان مختلف، اولویت‌های اختصاصی ناظر به آن‌ها تعریف شود.

• با توجه به اهمیت و گسترش نفوذ فضای مجازی و ظرفیت‌های آن برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی، لازم است در ماده ۷۵ و ۷۷، بر استفاده از مدل شبکه‌ای و به‌کارگیری ظرفیت‌های مردمی و خصوصی در حوزه بین‌الملل مانند راه‌اندازی، حمایت و توسعه سکوه‌های تولید محتوای مردمی بومی و محتوای پاک مبتنی بر فرهنگ اسلامی تأکید گردد.



۵) دیپلماسی علمی

الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم

در سیاست‌های کلی برنامه هفتم هیچ بندی ناظر به حوزه بین‌المللی و دیپلماسی علمی وجود ندارد.

ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم

فصل ۷- علوم، تحقیقات و آموزش عالی

مرجعیت علمی

ماده ۹۸- به منظور فعال کردن قابلیت‌های سرزمینی و موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و تعامل مؤثر با محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، اقدامات زیر انجام می‌گردد.

الف- معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور مکلف است به منظور تقویت بازگشت و نگهداشت نخبگان، متخصصان، دانشجویان، اعضای هیأت‌علمی، پژوهشگران و فناوران، ظرف مدت یک‌سال از ابلاغ برنامه، پنجره واحد صیانتی و حمایتی برای همکاری‌های بین‌المللی علمی و فناوری کشور را ایجاد نماید.

ب- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف‌اند با همکاری وزارت امور خارجه، دانشجویان خارجی را در سقف ظرفیت دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی با توسعه برنامه‌های تبادل دانشجو و تسهیل شرایط لازم برای پذیرش، رقابتی کردن قیمت‌گذاری شهریه، تقویت تبادل‌پذیری برنامه‌های درسی دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های خارجی هدف و تسهیل حضور در دوران تحصیل به‌ویژه اعطاء حق اقامت به مدت تحصیل، ورود و



خروج مکرر، کار پاره وقت، بیمه درمانی و خدمات بانکی به دانشجویان خارجی، پذیرش نمایند.

پ- به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه داده می‌شود، نسبت به پذیرش و جذب دانشمندان غیرایرانی در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی دولتی با اولویت علوم و فناوری‌های مطرح شده در اولویت (الف) نقشه جامع علمی کشور با رعایت فرایندهای قانونی به‌عنوان عضو هیأت علمی اقدام نمایند.

ت- به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اجازه داده می‌شود، واحدها و شعب دانشگاهی را با مشارکت دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی، شهرهای مرزی و یا در خارج از کشور با اولویت کشورهای همسایه، حوزه تمدنی و دارای منافع مشترک به‌صورت خودگردان و با دریافت شهریه از داوطلبان، در چارچوب سیاست‌ها و ضوابط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تصویب شورای گسترش هر یک از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبتنی بر آمایش آموزش عالی و آمایش سرزمین ایجاد نماید.

تبصره ۱- حداقل سی درصد (۳۰٪) از ظرفیت پذیرش واحدها و شعب به دانشجویان غیرایرانی اختصاص خواهد یافت.

تبصره ۲- دستگاه‌های اجرایی که در خارج از کشور خدمات فنی و مهندسی، پیمانکاری و یا سرمایه‌گذاری انجام می‌دهند، مجازند در قالب شروط قراردادی با طرف‌های خارجی، امکان آموزش اتباع واجد شرایط کشور خارجی محل فعالیت را از طریق دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران فراهم نمایند.





• با توجه به بند ب در عبارت «رقابتی کردن شهریه» و تصریح بند ت در تأسیس شعب دانشگاهی با مشارکت دانشگاه‌های بین‌المللی «در مناطق آزاد تجاری-صنعتی، شهرهای مرزی» مشخص می‌شود که رویکرد و اهداف اقتصادی در تعاملات علمی اعم از جذب دانشجو یا تأسیس شعب دانشگاهی بین‌المللی، بر رویکرد علمی و فرهنگی غلبه دارد. این درحالی است که در فصل چهارم «نقشه جامع علمی کشور» بند اول راهبردهای ملی راهبرد کلان ۹ بر «افزایش پذیرش دانشجویان خارجی به منظور گسترش زبان فارسی و بسترسازی مرجعیت علمی کشور» تأکید شده که به نوعی هدف‌گذاری علمی و فرهنگی را نشان می‌دهد.

• سکوت و غفلت از رویکرد محتوایی در حوزه علم و دانش در بندهای لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم مشهود است و تمرکز برنامه بر موضوعات اجرایی و ساختاری است. تنها در بند پ «با اولویت علوم و فناوری‌های مطرح‌شده در اولویت (الف) نقشه جامع علمی کشور» ذکر شده اما لازم است تا در محتوای ارائه‌شده به دانشجویان خارجی و همکاری‌های علمی، بر علوم اسلامی و علوم انسانی بومی تأکید شود.

• در لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم، ناظر به اولویت منطقه‌ای در تعاملات علمی و جذب دانشجو غفلت شده است و تنها در بند ت در مورد تأسیس شعب دانشگاهی در خارج از کشور، قید «با اولویت کشورهای همسایه، حوزه تمدنی و دارای منافع مشترک» ذکر شده است. این درحالی است که در راهبرد کلان ۹ فصل چهارم «نقشه جامع علمی کشور» عبارت «تعامل فعال و اثرگذار در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر به ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام» تصریح شده

است و در مصوبه ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی و فوق‌برنامه دانشجویان خارجی، ذیل ماده یک از اهداف این برنامه‌ها بر «تربیت متخصصان متعهد به منظور کمک به ارتقاء علمی کشورهای اسلامی» تأکید گردیده است. بنابراین لازم است در برنامه پنج‌ساله هفتم نیز بر اولویت تعامل با کشورهای اسلامی و منطقه و جذب دانشجو از این کشورها تأکید شود.

• در تبصره ۶ از ماده ۱ «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه» و بند ۱۴ اقدامات ملی راهبرد کلان ۹ در فصل چهارم «نقشه جامع علمی کشور» و بند ۱۴ از بخش تدابیر «الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت» بر کوشش و نقش‌آفرینی و مشارکت نخبگان و دانشمندان ایرانی در فعالیت‌های علمی و پژوهشی خارج از کشور و تسهیل‌گری این امر تأکید شده است. علی‌رغم وجود این تأکید در اسناد بالادستی، این امر در برنامه پنج‌ساله هفتم، مورد غفلت قرار گرفته است.

• در تعاملات علم و فناوری در حوزه بین‌الملل یکی از حوزه‌های مغفول در برنامه پنج‌ساله هفتم، صادرات علم و فناوری است. در «نقشه جامع علمی کشور» بر تأسیس نمایندگی‌ها و رایزنی‌های علمی در خارج از کشور برای این منظور، در راهبردهای ملی راهبرد کلان ۹ در فصل چهارم این‌گونه تصریح شده است: «ایجاد و توسعه نمایندگی‌های علمی و فناوری در سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های اولویت‌دار به منظور انتقال دستاوردها و تجارب جهانی در فناوری‌های پیشرفته و صادرات دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در عرصه فناوری به سایر کشورها.» درحالی‌که چنین رویکردی در لایحه برنامه هفتم دیده نمی‌شود.





۶) دیپلماسی گردشگری

الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم

فرهنگی و اجتماعی:

۱۷. توسعه صنعت گردشگری و ترویج صنایع دستی.

ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم

ماده ۸۲- در اجرای بند هفدهم سیاست‌های کلی برنامه و به منظور تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل اقدام می‌شود.

جدول شماره (۱۸). اهداف کمی سنجه‌های عملکردی میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

سنجه عملکردی	واحد متعارف	سال پایه ۱۴۰۱	هدف کمی در پایان برنامه
تعداد گردشگر ورودی به کشور	هزار نفر	۴۲۳۰	۱۵,۰۰۰
تعداد هتل‌های کشور	تعداد	۱,۴۳۰	۱,۹۰۰
موزه‌های فعال کشور (وزارت، سایر دستگاه‌ها و غیردولتی)	تعداد	۷۷۵	۱۰۰۰
اثربخت شده در فهرست آثار جهانی	اثر	۴۷	۵۷
تعداد آثار غیرمنقول مرمت شده در طول سال	اثر	۶۰۰	۹۵۰
ارزش صادرات صنایع دستی (بر اساس آمار گمرک ج.ا.ا.)	میلیون یورو	۲۲۴	۴۹۰

ماده ۸۳- به منظور توسعه گردشگری داخلی و جذب گردشگران خارجی و همچنین حفظ میراث فرهنگی کشور، اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- تمامی تأسیسات و فعالیت‌های گردشگری از هر نظر دارای معافیت‌های مالیاتی تابع قوانین و مقررات بخش صنعت گردشگری بوده و از شمول قوانین نظام صنفی مستثنی هستند. به منظور یکسان‌سازی، یکپارچگی و انسجام بخشی تشکل‌های حرفه‌ای صنعت گردشگری، آیین‌نامه اجرایی نحوه تشکیل، اداره، فعالیت و آموزش و توانمندسازی اعضای تشکل‌های مذکور و امور غیرحاکمیتی قابل واگذاری به آن‌ها، ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه، توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. فعالان حوزه گردشگری جهت اخذ مجوز، مکلف به عضویت در تشکل ذی‌ربط هستند.

ب- مجوز لازم برای واردات کشتی‌های گردشگری، شناورهای تفریحی، وسایل نقلیه و تجهیزات ویژه گردشگری برای سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی و تعاونی متقاضی با معافیت حقوق ورودی توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با رعایت اختیارات قانونی وزارت راه و شهرسازی صادر می‌گردد. فهرست مصادیق موضوع این بند توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن، تجارت و راه و شهرسازی ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ برنامه تعیین می‌گردد. مصادیق مذکور از سوی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا مرجع قانونی ذی‌ربط با پلاک یا نشان ویژه متمایز شده و حداقل ده سال صرفاً در حوزه خدمات گردشگری باید به کار گرفته شوند. نظارت بر نحوه استفاده از خودروها و اخذ تضامین لازم بر عهده وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با همکاری فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و دستگاه‌های نظارتی ذی‌ربط خواهد بود.

پ- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است با





همکاری وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی نسبت به رقومی سازی نقشه‌های عرصه و حریم آثار ملی و محدوده بافت‌های تاریخی در نقشه‌های حدنگاری (کاداستر) پوشش کشور و همچنین لایه شهرها و بناها و محدوده بافت‌های تاریخی-فرهنگی در سامانه جامع صدور اسناد مالکیت و بستر یکپارچه استعلام دستگاهی تا پایان سال دوم برنامه اقدام نماید.

ت- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می‌تواند در راستای تسهیل فرایندهای سرمایه‌گذاری و تأمین نیازهای مشاوره‌ای و اجرایی طرح‌ها و فعالیت‌های گردشگری به مؤسسات واجد صلاحیت با رعایت قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، مجوزهای «توسعه‌دهنده»، «تسهیل‌گر سرمایه‌گذاری» و «بهره‌برداری در بخش گردشگری» صادر نماید. این مؤسسات مجاز خواهند بود با رعایت مقررات، ضوابط و شیوه‌نامه‌های ابلاغی در امور مربوط به فرایند سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری و مدیریت تأسیسات و مؤسسات گردشگری فعالیت کنند.

ث- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است با هماهنگی وزارت راه و شهرسازی و سایر دستگاه‌های مربوط، آیین‌نامه ساماندهی صدور مجوز ایجاد پروژه‌های گردشگری با کاربری ترکیبی (تجاری یا ویلایی یا گردشگری) و امکان فروش و پیش‌فروش تأسیسات و واحدها بر اساس طرح مصوب، در محدوده و حریم شهرها و روستاها با اخذ مجوز از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط صرفاً در اراضی با کاربری گردشگری مندرج در طرح‌های جامع و تفصیلی شهر یا طرح هادی روستا را ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه، تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند.

ج- تغییر کاربری تأسیسات گردشگری تحت هر عنوان،

بدون تأیید وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ممنوع است. مراجع تغییر کاربری مکلف‌اند پیش از موافقت، نسبت به اخذ استعلام از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اقدام نمایند. در صورت موافقت با تغییر کاربری تأسیسات گردشگری موجود توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، کلیه تخفیفات، تسهیلات، حمایت‌ها و معافیت‌های اعطایی ملغی و عین یا معادل آن به اضافه پنجاه درصد (۵۰٪) مابه‌التفاوت ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری ملک به قیمت کارشناسی روز، اخذ و به حساب خزانه واریز و معادل صددرصد (۱۰۰٪) آن با رعایت بند (د) ماده (۲۸) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) برای هزینه‌کرد در زمینه توسعه گردشگری به وزارت مذکور اختصاص می‌یابد.

ج- به‌منظور تسهیل، تشویق و ایجاد مدیریت یکپارچه و متمرکز و تسریع در توسعه سرمایه‌گذاری بخش گردشگری ساحلی و دریایی توسط بخش‌های خصوصی و تعاونی، تمامی تصمیم‌گیری‌ها برای اجرای طرح‌های گردشگری اعم از صدور مجوز، پاسخ استعلامات، نحوه، فرایند و قراردادهای واگذاری عرصه ساحلی و پهنه دریایی، استفاده از اسلکله‌های موجود برای کاربری ترکیبی گردشگری یا مسافری، به شورای متشکل از استانداران استان‌های ساحلی (رئیس)، ادارات کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (دبیر)، ادارات کل راه و شهرسازی، منابع طبیعی و آبخیزداری، بنادرو دریانوردی و محیط‌زیست استان تفویض می‌گردد. تمامی مقررات مغایر با مصوبات شورا در طول دوره اجرای برنامه ملغی الاثر می‌شود.

ح- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است، کل درآمد اختصاصی و کمک‌های مردمی از اماکن و محوطه‌های تاریخی و موزه‌ها را به حسابی که نزد خزانه‌داری





کل کشور افتتاح می‌گردد، واریز نماید. صددرصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله در اختیار وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی قرار می‌گیرد تا با رعایت بند (د) ماده (۲۸) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) برای اداره، توسعه و مرمت این اماکن هزینه شود.

خ- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی موظف است با همکاری وزارتخانه‌های راه و شهرسازی، کشور، جهاد کشاورزی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، به منظور جبران حقوق مالکانه مردم و اعطای اراضی معوض به مالکان املاک واقع در عرصه و حریم آثار ملی که با محدودیت یا کاهش ارزش املاک مواجه شده‌اند، لایحه جبران حقوق مالکانه مردم در عرصه، حریم و محدوده‌های تاریخی را تا پایان سال اول برنامه، تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند.

ج) نقد و بررسی

• در حوزه صنایع دستی، به جز هدف‌گذاری کمی در ماده ۸۲، هیچ برنامه دیگری ارائه نشده است و مشخص نیست هدف‌گذاری افزایش صادرات صنایع دستی، با کدام برنامه‌ای محقق خواهد شد و اولویت‌های صادرات آن را کدام دسته از صنایع دستی تشکیل می‌دهد؟ آیا برنامه‌ای برای معرفی و انتقال فرهنگ اسلامی-ایرانی به مخاطبان خارج از کشور وجود دارد یا نگاه تجاری بر این عرصه حاکم است؟ آیا برنامه‌ای برای تولید صنایع دستی جدید و خلاق برای معرفی فرهنگ اسلامی-ایرانی و انقلاب اسلامی وجود دارد؟ لایحه برنامه هفتم هیچ اولویت و برنامه‌ای در این زمینه عرضه



نکرده است.

• درحالی‌که در بند ۳۴ «الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت» ابلاغی مقام معظم رهبری بر «گسترش قطب‌های گردشگری طبیعی، فرهنگی، مذهبی و سلامت با محوریت مناطق و مراکز هویت‌ساز» اشاره شده، اما در ماده ۸۳ لایحه برنامه هفتم تمرکز بر جذب گردشگران خارجی از طریق فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای گردشگری (مانند معافیت مالیاتی، واردات وسایل حمل‌ونقل گردشگر، تعیین حریم آثار ملی، سرمایه‌گذاری، تأسیسات و عایدات) و ساماندهی تشکل‌های این حوزه بوده است و هیچ اولویت‌گذاری و برنامه‌ای برای حوزه‌های نرم‌افزاری گردشگری به چشم نمی‌خورد که حکایت از غلبه نگاه مهندسی و اقتصادی در این حوزه دارد. به تبع این نگاه، همکاری‌های بین‌دستگاهی در حوزه‌هایی به غیر از زیرساخت (با دستگاه‌هایی مانند وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و...) نیز در این لایحه کاملاً مغفول بوده است. علاوه بر آن، این مسئله با «سند تحول دولت مردمی» که در آن به مؤلفه‌های نرم‌افزاری حوزه گردشگری و همکاری‌های بین‌دستگاهی تأکید داشته، مغایرت دارد.

• همچنین حوزه‌هایی مانند گردشگری فرهنگی و مذهبی و تکیه بر مناطق و مراکز هویت‌ساز در این لایحه کاملاً مغفول بوده است. آستان‌های مقدس و مراکز مرتبط با انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از جمله این مناطق و مراکز هویت‌ساز به شمار می‌روند. با توجه به اینکه عمده آمار ورود غیرایرانی‌ها به ایران متعلق به زائران این آستان‌ها (با تأکید بر عدم استفاده از لفظ گردشگر برای آنان) و علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی و یا گردشگری حلال است، شایسته بود دولت محترم در این لایحه برنامه خود را برای اولویت‌بخشی به



معرفی فرهنگ و هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی، عرصه‌های پیشرفت جمهوری اسلامی، گسترش زیارت مذهبی، گردشگری انقلاب اسلامی و مقاومت، و گردشگری حلال بیان می‌نمود.

• یکی از نقاط قوت این احکام، توجه به فعال کردن بخش غیردولتی در حوزه گردشگری است که بندهای مختلفی از ماده ۸۳ به آن پرداخته است. البته همان‌طور که اشاره شد، این حوزه‌ها بیشتر زیرساختی است و جای خالی حمایت از بخش غیردولتی با اولویت حوزه‌های دارای مزیت بند فوق، احساس می‌گردد.

۷) دیپلماسی سلامت

الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم

امور زیربنایی:

بند ۱۲- ارتقاء نظام سلامت براساس سیاست‌های کلی سلامت. با توجه به استناد بند مذکور به سیاست‌های کلی سلامت، بند ۱۴ این سیاست‌ها که به دیپلماسی سلامت ارتباط دارد، در ادامه آمده است:

۱۴- تحول راهبردی پژوهش علوم پزشکی با رویکرد نظام نوآوری و برنامه‌ریزی برای دستیابی به مرجعیت علمی در علوم، فنون و ارائه خدمات پزشکی و تبدیل ایران به قطب پزشکی منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام.

ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم

ماده ۷۲- به منظور تبدیل جمهوری اسلامی ایران به قطب تأمین سلامت منطقه جنوب غرب آسیا، دستیابی به صادرات سالانه بیش از یک میلیارد یورو دارو و واکسن و صادرات سالانه بیش از یک میلیارد یورو تجهیزات پزشکی، افزایش درآمد سالانه کشور از گردشگری سلامت به شش میلیارد یورو و افزایش درآمد سالانه حاصل از جذب دانشجویان خارجی در رشته‌های علوم پزشکی به بیش از ۷۰۰ میلیون یورو، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است به انجام اقدامات زیر است:

الف- جهت افزایش ضریب خودکفایی در تأمین مواد اولیه دارو و تجهیزات پزشکی تا پایان سال اول برنامه، با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت نسبت به راه‌اندازی سامانه ثبت قراردادهای صادراتی و تضمین حقوق و امنیت این قراردادهای اقدام نماید. سازمان غذا و دارو مکلف است، جز در موارد ضرورت نسبت به اعلام ممنوعیت‌های صادراتی حداقل





شش ماه پیش از اعمال آن‌ها اقدام نماید. در صورت اتخاذ ممنوعیت‌های صادراتی، قراردادهایی که در سامانه مذکور ثبت شده باشند مشمول این ممنوعیت‌ها نمی‌باشند. موارد ضرورت، در هر مورد با تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌گردد.

ب- تا پایان سال دوم برنامه، با انجام مذاکرات دوجانبه و چندجانبه با اولویت کشورهای منطقه، حوزه تمدنی و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا اقدامات لازم را جهت پذیرش داروهای ثبت شده در ایران توسط این کشورها و صدور گواهی‌نامه‌های مشترک کیفیت تولید به عمل آورد.

ج) نقد و بررسی

• ماده ۷۲ با بند ب و ت ماده ۹۸ در زمینه جذب دانشجویان خارجی در حوزه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تداخل دارد و هر یک به نوعی برای این حوزه هدف‌گذاری کرده است. شایسته بود جذب دانشجویان خارجی در این حوزه ذیل یک فصل تجمیع شود.

• تکالیف ذکرشده در بند الف و ب ماده ۷۲ با اهداف ذکرشده در این ماده سنخیت ندارد و تنها به بخش کوچکی از آن پرداخته است. به تعبیر دیگر، مسیر تحقق هدف‌گذاری‌های مذکور (از جمله تبدیل ایران به قطب تأمین سلامت منطقه، ارتقاء گردشگری سلامت و جذب دانشجویان خارجی) را صرفاً خودکفایی در دارو و صادرات دارو معرفی کرده است. در واقع تبدیل شدن ایران به قطب منطقه در کلان حوزه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را تنها به حوزه «درمان»، و از حوزه درمان تنها به بخش «دارو» تقلیل داده است.

• در ابلاغیه سیاست‌های کلی سلامت بر مواردی همچون

«سلامت همه‌جانبه»، «اولویت پیشگیری بر درمان»، «ارتقاء سلامت روانی با ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تحکیم بنیان خانواده، رفع موانع تنش‌آفرین در زندگی فردی و اجتماعی، ترویج آموزش‌های اخلاقی و معنوی»، «ساماندهی تقاضا» و مانند آن در نظام سلامت تأکید شده که ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و فرهنگ‌سازی دارد و طبیعتاً می‌بایست جزو رویکردهای نظام سلامت در قبال متقاضیان خارجی خدمات سلامت نیز باشد؛ اما آنچه در این لایحه مشاهده می‌شود هیچ‌سختی با این الزامات تبدیل شدن به قطب سلامت منطقه وجود ندارد و تنها به بخش درمان، آن هم با نگاه تجاری و سوداگری توجه شده است. حاکمیت این نگاه تجاری، خود را در مواردی همچون هدف‌گذاری‌های ارزی ماده ۷۲ و برجسته کردن بخش دارو نشان می‌دهد.

● اهدافی که در ماده ۷۲ ذکر شده، همگی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با حوزه دیپلماسی عمومی ارتباط دارد؛ ارائه خدمات اجتماعی از جمله در حوزه سلامت، یکی از مؤلفه‌های مهم در شکل‌دهی به برند ملی است. ارائه خدمات علمی و آموزشی نیز فراتر از برند ملی، جایگاه مهمی در دیپلماسی مبادله‌ای و شکل‌دهی به هویت و تربیت دانشجویان خارجی دارد. این درحالی است که به نظر می‌رسد در این لایحه، محوریت توسعه دیپلماسی سلامت را هدف‌گذاری اقتصادی تشکیل می‌دهد. ضروری است برای کلیه فعالیت‌های این حوزه «پیوست فرهنگی» تهیه شود؛ بلکه در یک نگاه مهم‌تر و راهبردی‌تر، فرهنگ در متن دیپلماسی سلامت دیده شود. اهمیت نگاه فرهنگی به‌گونه‌ای است که فقدان آن نه تنها موجب تضییع فرصت‌ها می‌شود، بلکه فرصت‌ها را به تهدید بدل می‌کند؛ کم‌اینکه به واسطه فقدان این نگاه و تسلط نگاه سودآوری اقتصادی، تهدیداتی در این زمینه به وجود آمده است.





۸) دیپلماسی اقتصادی

الف) بخش‌های مرتبط در سیاست‌های کلی برنامه هفتم

سیاسی و سیاست خارجی:

۲۲. تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان.

ب) بخش‌های مرتبط در لایحه برنامه هفتم

فصل ۲۱- سیاست خارجی

دیپلماسی اقتصادی

ماده ۱۰۱- در اجرای بند بیست و دوم سیاست‌های کلی برنامه و به‌منظور تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان، وزارت امور خارجه مکلف است، با استفاده از تمام امکانات، ظرفیت‌های سیاست خارجی، روابط دوجانبه، سیاست همسایگی و دیپلماسی چندجانبه و بین‌المللی برای پیشبرد دیپلماسی اقتصادی، اقدامات زیر انجام دهد.

الف- با همکاری ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی، نسبت به تهیه طرح جامع ارتقای کارآمدی و اثربخشی دیپلماسی اقتصادی به‌ویژه در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان، با تمرکز بر پیوندهای اقتصادی با همسایگان، کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین، قدرت‌های نوظهور و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان همکاری شانگهای ظرف مدت سه‌ماه پس از ابلاغ برنامه، اقدام نماید.

ب- با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت، نسبت به انعقاد و تعمیق موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و آزاد با اولویت انعقاد موافقتنامه تجارت ترجیحی با کشورهای هدف در میان مدت و تجارت آزاد در بلندمدت (از جمله اوراسیا) و تعمیق موافقتنامه تجارت ترجیحی با کشورهای همسایه اقدام نماید.

پ- سازوکار دوجانبه بین اتاق‌های بازرگانی کشورهای هدف تجاری به منظور رسمیت بخشی به مراکز داوری و میانجی‌گری تجارت بین الملل مرضی الطرفین با همکاری معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران فراهم نماید.

چ- مساعدت و معاضدت در تأسیس شرکت‌های مشترک با کشورهای هدف به منظور بهره‌گیری از تسهیلات ارائه شده به پیمانکاران بین‌المللی در سند سیاست تجاری متبادله با کشورهای مذکور؛

ت- انجام توافقات لازم با کشورهای طرف تجاری ایران در مورد رعایت استانداردهای مورد قبول طرفین با همکاری سازمان ملی استاندارد کشور؛

ب- تعیین میزان و نحوه اعطای کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای هدف در چارچوب برنامه عملیاتی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با تصویب هیأت وزیران؛

ث- تسهیل مقررات قرنطینه‌های دامی با همکاری دفتر قرنطینه و امنیت زیستی سازمان دامپزشکی کشور و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران؛

پ- صدور ویزای الکترونیک برای تجار خارجی با سابقه تجارت با ایران و مورد تأیید اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران؛





ج- کمک به توسعه سواحل مکران و تکمیل بندر چابهار با همکاری کشورهای ذی نفع.

ج) نقد و بررسی

• در احکام مرتبط با دیپلماسی اقتصادی، بیشتر بر توسعه همکاری‌ها و برخی امور زیرساختی تکیه شده و به اولویت‌های تجارت و تبادلات اقتصادی اشاره‌ای نشده است. اگرچه اولویت دیپلماسی اقتصادی را سودآوری اقتصادی تشکیل می‌دهد، اما در صورتی که فرهنگ را زیربنای سیاست و اقتصاد بدانیم، این مسئله باید خود را در سیاست‌های اقتصادی نیز نشان دهد. حتی اگر فرهنگ در متن دیپلماسی اقتصادی قرار نمی‌گیرد، حداقل می‌بایست به عنوان پیوست فرهنگی در تبادلات اقتصادی دولتی و خصوصی به آن توجه گردد. از جمله اولویت‌های این حوزه، تسهیل‌گری و زمینه‌سازی برای رونق روابط خرد اقتصادی با محوریت بخش خصوصی است. چراکه تعمیق و توسعه مردمی روابط واقعی اقتصادی، به گسترش روابط متقابل فرهنگی می‌انجامد. در صورتی که مجموع این موارد در لایحه مغفول بوده است.

• از جمله اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی که در این لایحه می‌توانست مورد تأکید قرار گیرد، تسهیل‌گری برای افزایش صادرات صنایع و خدمات فرهنگی، با تأکید بر صنایع و خدمات فرهنگی منعکس‌کننده فرهنگ اسلامی، ایرانی و انقلابی است. این در حالی است که برخی کشورهای مدعی در دیپلماسی عمومی که سابقه فرهنگی و تاریخی قابل ذکری ندارند، با سرمایه‌گذاری جدی در این حوزه به ارتقاء قدرت نرم و کسب منافع اقتصادی قابل توجهی برای خود دست یافته‌اند.



• از دیگر اولویت‌ها و مزیت‌های ایران در زمینه دیپلماسی اقتصادی فرهنگ‌پایه که می‌توانست مورد تأکید قرار گیرد، تولید، بازاریابی و عرضه صنایع و خدمات «حلال» در حوزه‌های مرتبط با آن مانند کالاهای فرهنگی، رسانه، پوشاک، خوراک، گردشگری، بهداشت و درمان، آموزش و... است.

• از جمله نقائص لایحه برنامه هفتم در یک نگاه فرهنگی به قسمت دیپلماسی اقتصادی، بی‌توجهی به ماهیت چندبعدی و بین‌دستگاهی این حوزه در ارتباط با دیگر حوزه‌های مرتبط مانند گردشگری، صنایع و خدمات فرهنگی، خدمات اجتماعی، سلامت، آموزش و... است.

۹) جمع‌بندی

- برنامه هفتم در کلان حوزه دیپلماسی عمومی (به‌ویژه در برخی از زیرحوزه‌ها) به صورت نسبی در مقایسه با برنامه پنج‌ساله پنجم و ششم افول کرده است؛ هرچند آن برنامه‌ها نیز آن‌گونه که شایسته است به این حوزه نپرداخته بودند.
- برخی از دسته‌بندی‌های لایحه اشتباه یا ناقص است؛ شایسته بود دیپلماسی عمومی و فرهنگی حداقل به‌عنوان یک زیرفصل در عرض دیپلماسی سیاسی و دیپلماسی اقتصادی، در برنامه پرداخته می‌شد.
- استنادات بالادستی لایحه برنامه هفتم در حوزه دیپلماسی عمومی بیشتر ناظر به سیاست‌های کلی برنامه هفتم بوده است (هرچند در برخی موارد نیز همان استنادات به صورت نادرستی انجام گرفته بود). در صورتی که اسناد بالادستی دیگری نیز در این زمینه وجود داشته که نوعاً در لایحه مغفول بوده و احکام آن نادیده گرفته شده است.
- آنچه رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدارهای مختلفی بر آن تأکید داشته‌اند، اتخاذ رویکرد فعالانه و تهاجمی در موضوعات مختلف بین‌المللی (از جمله موضوعاتی که ما آن را دیپلماسی عمومی می‌نامیم) بوده است. درحالی‌که از کلیت برنامه این معنا برداشت نمی‌شود.
- لایحه در برخی از حوزه‌های دارای اهمیت دیپلماسی عمومی مانند ترویج زبان و ادبیات فارسی، صادرات محصولات فرهنگی، هنری و رسانه‌ای (به جز صنایع دستی که در فصل ۱۷ صرفاً هدف‌گذاری کمی شده)؛ دیپلماسی زیارت و... مسکوت بوده است.
- همان‌گونه که در این گزارش نشان داده شد، میان زیرحوزه‌های دیپلماسی عمومی (فرهنگی، رسانه‌ای، علمی و...) هیچ‌گونه طراحی و ارتباط خاصی وجود نداشت و هر یک به صورت جزیره‌ای





و بعضاً موازی طرح شده‌اند که نشان از دست خالی دولت برای هم‌افزایی میان این حوزه‌ها دارد.

- یکی از چالش‌های نظری کشور در حوزه دیپلماسی که خود را در لایحه برنامه هفتم نشان داده، فقدان نظریه‌سیاستی برای حوزه دیپلماسی عمومی و تعریف مورد اتفاق و روشنی از دیپلماسی عمومی و نسبت آن با حوزه‌های کلان‌تر، خردتر و هم‌عرض است که تشتت برنامه‌های ارائه‌شده (اگر آن‌ها را برنامه بنامیم) مؤید آن است.
- یکی دیگر از چالش‌های مهم کشور که در این لایحه متجلی شده و دنباله آسیب‌بند پیشین به حساب می‌آید، عدم ارتباط روشن میان دستگاه‌های متولی دیپلماسی عمومی و تداخل وظایف آنان است که در برخی موارد به «موازی‌کاری» می‌انجامد و در برخی موارد منجر به «مسئولیت‌گریزی» و وانهادن برخی حوزه‌ها می‌شود. به‌عنوان مثال در فصل سیاست خارجی لایحه، وزارت امور خارجه تنها بازیگر دیپلماسی عمومی معرفی شده و ذکری از دیگر دستگاه‌های مرتبط در میان نیست. در مجموع نسبت میان بازیگران اصلی این حوزه از جمله وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان صداوسیما، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، و همچنین نسبت آن‌ها با معاونت ارتباطات بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری روشن نیست.
- با وجود حضور صدها نماینده مختلف از ایران برای مأموریت‌های مرتبط با دیپلماسی عمومی در خارج از کشور، از جمله سفیر و نماینده فرهنگی و مطبوعاتی سفارتخانه، رایزن فرهنگی، رایزن علمی، رایزن اقتصادی، نماینده برخی دستگاه‌های تبلیغی مانند جامعه المصطفی، مجمع جهانی تقریب مذاهب و مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، اما اولاً هماهنگی و تقسیم وظایف روشن و منسجمی برای آن‌ها به چشم نمی‌خورد. ثانیاً در موارد متعددی



جذابیت‌های نادرست مادی برای اعزام به خارج از کشور وجود دارد که تقسیم کار صحیح و تعیین ضوابط دقیق‌تر برای اعزام و پایش و ارزیابی مداوم فعالیت‌های آنان، می‌تواند به بهبود عملکرد مجموعه فعالیت‌های این حوزه بینجامد.

- در خصوص مردمی‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی در بخش‌های مختلفی از لایحه (مانند فصول رشد اقتصادی، توسعه مسکن، نظام سلامت، ارتقاء فرهنگ عمومی و رسانه، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سیاست داخلی و ارتقاء سلامت اجتماعی، ارتقاء نظام آموزشی، و ارتقاء نظام علمی، فناوری و پژوهشی) کمابیش اشاراتی شده است. اما در هیچ یک از مواد و بندهای مرتبط با دیپلماسی عمومی چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود.
- احکام مختلف برنامه که در قسمت‌های پیشین بررسی شد، اولویت‌های جغرافیایی خود را مشخص نکرده و یا به ذکر «کشورهای منطقه» و مانند آن اکتفا کرده بودند. در صورتی که لازم است برای هر فصل، اولویت‌های جغرافیایی یا اقشار مخاطبان در قالب سبد کشورهای دارای اولویت با ذکر مصادیق آن مشخص گردد. در این زمینه توجه به تقویت و استقلال کشورهای محور مقاومت، کشورهای اسلامی و غیراسلامی مستقل در برابر نظام سلطه در حوزه‌هایی مانند دیپلماسی علمی، اقتصادی، سلامت، انرژی، کشاورزی و... از اولویت برخوردار است.
- لازم است به جهت هماهنگی در سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت بر کلان‌حوزه دیپلماسی عمومی و نگاه چندبعدی به آن، مرجعی برای این هماهنگی تعیین شود. این مرجع طبیعتاً به دلیل تعارض منافع، نمی‌تواند یکی از بازیگران و ذی‌نفعان این حوزه قرار بگیرد و تعیین جمعی از ذی‌نفعان و مرتبطان برای تصمیم‌گیری و تعامل در قالب‌هایی مانند تشکیل شورا، کمیسیون یا کارگروه، مناسب‌ترین گزینه بر اساس محدودیت‌ها است.

۱۰) احکام پیشنهادی

ماده پیشنهادی: سازمان‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجی مکلف هستند در راستای کنش‌گری فعال در دیپلماسی عمومی با هدف افزایش کارآمدی نظام در ارائه تصویر صحیح از انقلاب اسلامی، تبیین حرف نو و حقایق آن، و الهام‌بخشی به ملت‌ها با همکاری مؤثر و هدفمند با یکدیگر اقدامات زیر را انجام دهند:

الف- طراحی منسجم و چندبعدی سیاست‌ها و اقدامات ماندگار و اثربخش در حوزه‌های مختلف فعال در عرصه خارجی و اجرای هماهنگ و ارزیابی دقیق آن‌ها، در چارچوب ارزش‌های اسلامی و انقلابی

ب- تسهیل‌گری برای نقش‌آفرینی بازیگران مردمی (به‌ویژه بازیگران تشکل‌مند) و توانمندسازی ایشان در حوزه‌های مربوطه با تأکید بر بازاریابی و عرضه صنایع و خدمات فرهنگی، فعالیت‌های رسانه‌ای و دیجیتال، گسترش زبان فارسی، آموزش دانش و فناوری و مهارت، خدمات اجتماعی، گردشگری و... در چارچوب رویکردها و اهداف انقلاب اسلامی از طریق:

۱- صدور مجوزهای لازم برای فعالیت بازیگران مردمی عرصه بین‌الملل در داخل کشور و حمایت از اخذ مجوزهای مورد نیاز آنان در خارج از کشور

۲- حمایت از ایجاد و توسعه فعالیت‌های مراکز فرهنگی همسو با انقلاب اسلامی در خارج از کشور توسط بازیگران مردمی و به‌ویژه بازیگران بومی آن کشورها

۳- حمایت از بازیگران مردمی در برگزاری رویدادهای فرهنگی (جشنواره، نمایشگاه، کارگاه، دوره و...) در خارج از کشور و یا شرکت در رویدادهای فرهنگی دیگر کشورها در راستای اهداف انقلاب اسلامی

۴- حمایت از حضور، سخنرانی و ارتباط‌گیری فعال اساتید و نخبگان دانشگاهی و حوزوی در مجامع علمی، نخبگانی،





عمومی و رسانه‌ای دیگر کشورها متناسب با رویکردها و اهداف انقلاب اسلامی

۵- به‌کارگیری ظرفیت‌های مردمی در مراحل مختلف سیاست‌گذاری، از مسئله‌شناسی و رصد، دستورکارگزاری و تدوین و طراحی تا تسهیل‌گری، اجرا و نظارت و ارزیابی

تبصره: سازمان‌ها و نهادهای مسئول دارای اولویت در امور خارجی عبارت‌اند از: وزارتخانه‌های امور خارجه، فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، کشور، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، ورزش و جوانان، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی، نفت، راه و شهرسازی، اطلاعات، سازمان‌های صداوسیما، فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اوقاف و امور خیریه و هلال احمر، و معاونت‌های علمی و فناوری و امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، دبیرخانه شوراهای عالی انقلاب فرهنگی، فضای مجازی و ایرانیان خارج از کشور، معاونت ارتباطات بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، بنیاد سعدی و کمیته امداد امام خمینی رحمته‌الله علیه.

از جمله حوزه‌های مهمی که برای آینده انقلاب اسلامی و نقش‌آفرینی تمدنی و جهانی آن ضروری به حساب می‌آید و می‌توان لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم را بر اساس آن نقد و بررسی کرد، کلان‌حوزه «**دیپلماسی عمومی**» است. حلقه دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام به‌عنوان مجموعه‌ای که با نگاه راهبردی، فرهنگ‌بنیان، مردم‌محور و چندبعدی به این عرصه نگاه می‌کند، بر اساس زاویه نگاه خود در این گزارش به نقد و بررسی و ارائه پیشنهادهایی برای احکام مرتبط با این حوزه در لایحه برنامه هفتم پرداخته است.



جهت پیگیری آخرین اخبار و منشورات
حلقه دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی
اسکن کنید: